

## حضرت علی (ع) در غار حرا

<"xml encoding="UTF-8?">

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پیش از آنکه مبعوث به رسالت شود، همه ساله یک ماه تمام را در غار حرا به عبادت می پرداخت و در پایان ماه از کوه سرازیر می شد و یکسره به مسجد الحرام می رفت و هفت بار خانه خدا را طواف می کرد و سپس به منزل خود باز می گشت. در اینجا این سؤال پیش می آید که با عنایت شدیدی که پیامبر نسبت به حضرت علی داشت آیا او را همراه خود به آن محل عجیب عبادت و نیایش می برد یا او را در این مدت ترک می گفت؟ قراین نشان می دهد از هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حضرت علی علیه السلام را به خانه خود برد هرگز روزی او را ترک نگفت. مورخان می نویسند: علی آنچنان با پیامبر همراه بود که هرگاه پیامبر از شهر خارج می شد و به کوه و بیابان می رفت او را همراه خود می برد. (1)

ابن ابی الحدید می گوید:

احادیث صحیح حاکمی است که وقتی جبرئیل برای نخستین بار بر پیامبر نازل شد و او را به مقام رسالت مفتخر ساخت علی در کنار حضرتش بود. آن روز از روزهای همان ماه بود که پیامبر برای عبادت به کوه حرا رفته بود. امیر مؤمنان، خود در این باره می فرماید:

«ولقد کان یجاور فی کل سنة بحراء فراه ولا یراه غیري...». (2)

پیامبر هر سال در کوه حرا به عبادت می پرداخت و جز من کسی او را نمی دید.

این جمله اگر چه می تواند ناظر به مجاورت پیامبر در حرا در دوران پس از رسالت باشد ولی قراین گذشته و اینکه مجاورت پیامبر در حرا غالباً قبل از رسالت بوده است تایید می کند که این جمله ناظر به دوران قبل از رسالت است.

طهارت نفسانی حضرت علی علیه السلام و پرورش پیگیر پیامبر از او سبب شد که در همان دوران کودکی، با قلب حساس و دیده نافذ و گوش شنوای خود، چیزهایی را ببیند و اصواتی را بشنود که برای مردم عادی دیدن و شنیدن آنها ممکن نیست؛ چنانکه امام، خود در این زمینه می فرماید:

«اری نور الوحی و الرسالة و اشم ریح النبوة». (3)

من در همان دوران کودکی، به هنگامی که در حرا کنار پیامبر بودم، نور وحی و رسالت را که به سوی پیامبر سرازیر بود می دیدم و بوی پاک نبوت را از او استشمام می کردم.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

امیر مؤمنان پیش از بعثت پیامبر اسلام نور رسالت و صدای فرشته وحی را می شنید.

در لحظه بزرگ و شگفت تلقی وحی پیامبر به حضرت علی فرمود:

اگر من خاتم پیامبران نبودم پس از من تو شایستگی مقام نبوت را داشتی، ولی تو وصی و وارث من هستی، تو

سرور اوصیا و پیشوای متقیانی. (4)

امیر مؤمنان در باره شنیدن صداهای غیبی در دوران کودکی چنین می فرماید: هنگام نزول وحی بر پیامبر صدای ناله ای به گوش من رسید؛ به رسول خدا عرض کردم این ناله چیست؟ فرمود: این ناله شیطان است و علت ناله اش این است که پس از بعثت من از اینکه در روی زمین مورد پرستش واقع شود نومید شد. سپس پیامبر رو به حضرت علی کرد و گفت:

«انک تسمع ما اسمع و تری ما اری، الا انک لست بنبی و لکنک لوزیر». (5)

تو آنچه را که من می شنوم و می بینم می شنوی و می بینی، جز اینکه تو پیامبر نیستی بلکه وزیر و یاور من هستی.

پی نوشت ها :

1- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 13، ص 208.

2- نهج البلاغه، خطبه 187 (قاصعه).

3- پیش از آنکه پیامبر اسلام از طرف خدا به مقام رسالت برسد وحی و صداهای غیبی را به صورت مرموزی، که در

روایات بیان شده است، درک می کرد. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 13، ص 197.

4- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 13، ص 310.

5- نهج البلاغه، خطبه قاصعه.